

ومیزی و شورای دولتی و فوائد عامه و لواجری است که از کمیسیون بودجه داده شده و عجلتاً اینها هم است باید کمی بکنند که اینها تمام شود وقتی که تمام شده باز پیشنهاد کنند که دستوری برای ایام هفته تعیین شود باین ترتیب عجلتاً ندی کمتر در اطراف دستور مذاکره میشود.

رئیس - میخواستید طبع و توزیع کنیم (اظهاری نشد)
(پیشنهاد آقای سدید الملک بشرح ذیل قرائت شد)

این بنده پیشنهاد می نمایم که دستور بترتیب ذیل معین شود .

شنبه - شورای دولتی
یکشنبه - انتخابات
سه شنبه - میزری

چهارشنبه - قضات عدلیه
ه شنبه - متفرقه و بودجه
(سدید الملک)

رئیس - آقای سدید الملک (اجازه)
سدید الملک - عرضی ندارم بشرط اینکه آقایان تغییرش ندهند .

رئیس - در پیشنهاد ایشان رأی گرفته میشود. آقای ارباب کیخسرو (اجازه)

ارباب کیخسرو - بنده تصور میکنم تا وقتی که آن ماده در نظامنامه هست که در هر موقع مجلس دستور را معین میکند این پیشنهادها بلااثر است در آن موقع هم که پیشنهاد شد در ایام هفته هر روز چه مسائلی جزو دستور باشد بنده عرض کردم این پیشنهاد عملی نیست نتیجه اش را هم دیدیم که در یک جلسه رأی دادیم و در جلسه دیگر آن بهم خورد .

عقیده بنده این است اگر در عوض این پیشنهادها تعیین دستور را با اختیار خود آقای رئیس واگذار کنند بهتر است و اوقات کمتر تلف میشود و مرتب تر خواهد بود .

رئیس - این مخالف نظامنامه است و اگر پیشنهادی هم راجع به نظامنامه بشود باید برود یکسبک و بعد در آن میشود تا قانونیت پیدا کند. بالفعل رأی می گیریم بقانون میزری آقایانی که تصویب میکنند قانون میزری جزو دستور سه شنبه باشد قیام فرمایند .

(اکثر قیام نمودند)
تصویب شد .

(مجلس نیم ساعت بعد از ظهر ختم شد)
رئیس مجلس مؤتمن الملک

جلسه ۲۳۴
صورت مشروح مجلس
یوم سه شنبه هشتم حوت
۱۳۰۱ مطابق دهم رجب
۱۳۴۱

مجلس دو ساعت و ربع کس قبل از

غروب به ریاست آقای مؤتمن الملک تشکیل گردید .

(صورت مجلس یوم یکشنبه ۶ حوت را آقای امیر ناصر قرائت نمودند)

رئیس - گویا در صورت جلسه مخالفی نباشد ؟ آقای کرویسی (اجازه)

آقا شیخ محمد حسن کرویسی - بنده در صورت جلسه عرضی ندارم

معاون وزارت مالیه - هیئت دولت تجدید نظر در لایحه شهریه های شاهزادگان عظام را لازم دانسته است استرداد آنرا تقاضا میکنم

رئیس - مسترد میشود آقای کرویسی (اجازه)

آقا شیخ محمد حسن کرویسی - بعد از اینکه داخل دستور شویم نسبت بمذاکرات دستور عرض دارم و عرض خواهم کرد

رئیس - در لایحه میزری فرمایشی دارید ؟ کرویسی بله

رئیس در چه جای لایحه کرویسی - وقتیکه داخل در شور کلیات شویم

رئیس - شور در کلیات شده است یکمرتبه دیگر هم پس از آنکه در مواد رأی گرفته شد در کلیات مذاکره میشود

لایحه میزری مطرح است ماده اول قرائت میشود

(بشرح ذیل قرائت شد)

ماده ۱ - مأخذ مالیات املاک اربابی از عایدات آب و زمین (غیر خالصه انتقالی) و اغنام و احشام مطابق فقرات ذیل خواهد بود

فقره اول - از اراضی مزروعی و جنگل های طبیعی اربابی مراتعیکه باجاره داده میشود عشر عایدات خالص مالک اعم از نقد یا جنس

فقره دوم - از احشام و اغنام از قسرات ذیل :

۱ - از شتر ماده زائیده که کمتر از سه سال نداشته باشد مطلقاً ۱۲ قران

ب - از مادیان که کمتر از سه سال نداشته باشد مطلقاً ۵ قران

ج - گاو گاو میش شیرده مطلقاً ۵ قران

د - میش و بز شیرده مطلقاً ۱ قران

فقره سوم - از کاروانسراها و طواحین و آب دنگهای (آبی و بخاری) که هایدی سالیانه آنها علاوه بر ۳۰ تومان باشد از مازاد آن نیم عشر

تبصره - در نقاطیکه قبل از وضع این قانون مالیات دیوانی اغنام و احشام را (غیر از حق المرتع) مالک از رعایا اخذ و در جزء مالیات نقدی بدوالت میبرداخته است بعد از این مأخذ نخواهد داشت

رئیس - آقای شیخ الاسلام اصفهانی

(اجازه)

شیخ الاسلام - البته در این قسم لواجی مهم هر کسی هر چه بنظرش میرسد اظهار کند بهتر از این است که مثلاً بنده نفهمیده محض تقلید قیام و قعود کرده دولت و مردم را گرفتار کنیم مخصوصاً عرض میکنم چون آقای طباطبائی مخبرند و جوابها را بطور ملایمت و مسالمت میفرمایند لذا هرا یض خودم را در ماده اول عرض میکنم : اولاً در فقره اول نوشته شده است از اراضی مزروعی و جنگلهای طبیعی اربابی. این قسمت معلوم است ولی بعد نوشته شده و مراتعیکه باجاره داده می شود معلوم نیست مراد از این مراتع چیست ؟ آیا فقط معالف و چراگاهها است یا اینکه اعم است از معالف و سایر مراتع مثل مرتع گز خونسار و کتیرا و شیر خشک و گز علفی و ترنجبین و غیر اینها که در همه جا با بعضی جاها هست .

اگر مقصود از مراتع فقط مراتع معالف باشد بنده یک اشکالی دارم اگر هم مراتع بمعنی اعم باشد یعنی هم معالف و هم غیر معالف باشد در این صورت هم باز یک اشکال بنظر من رسیده است :

اگر مقصود معالف است چرا باید سایر مراتع مستثنی باشد این قانون مالیات ارضی است هر کس هر قسم استفاده از اراضی میبرد باید یک سهمی برای منافع عمومی بدهد و اگر معنی اعم است خوب بود همانطور که تریاک و تنباکو و توتون را استثناء کرده اند کتیرا را هم مطابق قانونی که از مجلس گذشته است که در سرحد صد چهار بگیرند آنرا هم استثناء کنند مطلب مهم دیگری که بنظر بنده میرسد این است که بطور مطلق در این لایحه نوشته شده است از عایدات خالص مالک عشر بگیرند

بعقیده بنده اینهم صحیح نیست و مخالف هستم که بطور اعم از عایدات خالص ده یک گرفته شود و عقیده ام این است که از قنات آب و چاه آب ده نیم گرفته شود و از رود آب و دنگ آب و نم آب ده یک گرفته شود و از املاکیکه نصف از رود آب مشروب می شود و نصف از قنات و چاه ده سه ربع دریافت شود و برای این عقیده خودم هم چند دلیل دارم که بعضی آقایان میفرمایند

اولاً بعقیده بنده اگر از تمام اراضی ده یک گرفته شود بصاحبان قنات ظلم می شود زیاد مثلاً صاحب قنات ۵۰ هزار ۱۰۰ هزار تومان کمتر زیاد تر خودش یا کسانیکه قنات را باو انتقال داده اند خرج کرده و سرمایه مهمی در آن قریه یا مزرعه گذارده است از او ده یک گرفته شود و از صاحبان رود آب که ممکن است با ۵۰۰ تومان یا ۱۰۰۰ تومان و چنانچه خود بنده در اصفهان دیده ام ممکن است یک جای خیلی دامنه داری را با ۱۲۰۰۰ تومان تدارک کرد آنوقت از این اشخاص هم که ۵۰۰ یا ۱۰۰۰ تومان خرج کرده اند ده یک گرفته شود واقعاً ظلم است .

مطلب دیگر این است که اگر مالیات ارضی ایران را از قرار ده یک بگیرند ۵۰۰ کرور مالیات ایران میشود بجه دلیل بدلیل اینکه مالیات قدیم ایران مطابق آخرین معزیه که در زمان ناصرالدین شاه شده است که تقریباً ۴ سال قبل میشود ۷ کرور تومان بوده است و البته این مالیات را خوب انداز و کرد و شمار از مردم نگرفته اند از روی یک حساب و ترتیبی بوده است و مخصوصاً بنده و چند نفر از اهالی اصفهان در این باب تحقیقات کاملی کردیم از روی اسناد و نوشتجات قدیم چنانچه عرض کردم یک اراضی بوده است که مفتوح الفتوه بوده است و با یک زمانهای پیش آنها را خمس میگرفته اند و حالا موضوع آنها را از بین برده اند و از اراضی قنات آب ده نیم و از اراضی رود آب ده یک میگرفته اند و نصف نصف را هم سه ربع عشر میگرفتند و آن زمان از قرار ده یک در بعضی جاها و ده نیم در بعضی جاها مالیات ۷ کرور می شده است و حالا که منافع اراضی ترقی کرده است و بنده هر چه فکر کردم جنسی را پیدا کنم که کمتر از پنج یک ترقی کرده باشد پیدا نکردم مثلاً از حاصله های عمده ایران گندم و جو شلتوک است که نسبت بقیمت ۴۰ سال قبل متجاوز از ۵ برابر شده است در ۴۰ سال قبل گندم خرواری سه تومان بزحمت فروخته میشد و حالا خرواری ۱۸ تومان بخوبی میخرند جو در ۴۰ سال قبل بزحمت فروخته میشد خرواری دو تومان و حالا خرواری ۱۲ تومان و نیم بخوبی میخرند برنج در ۴۰ سال قبل یکمن بکمران بود و امروز یکمن ۵ قران است

همین قسم سایر اجناس بنده هر چه فکر کردم دیدم جنسی بیست که کمتر از ۵ برابر ترقی کرده باشد پس مالیات جنسی که در سابق هفت کرور بود حالا ۵۰ برابر یعنی ۳۵۰ کرور میشود .

چنانچه عرض کردم در سابق از بعضی نقاط ده یک و از بعضی جاها ده نیم می گرفته اند شاید حالا رود آب ایران ۳ برابر قنات آب باشد ولی اگر حالا نصف نصف حساب کنیم و اگر در نصف بنا باشد امروز ده یک بگیرند ۳ کرور و نیم فرق میکنند و حالا که پنج برابر شده و میشود هفده کرور و نیم این است که بنده تصور میکنم اگر امروز مالیات ایران را ده یک بگیرند کمتر از ۵۰ کرور نخواهد شد و این ترتیب صحیح نیست .

اولاً یک مملکتی که ۴۵۰ کرور خرج دارد ۵۰۰ کرور مالیات ارضی از چنین مملکتی نباید گرفت .
ثانیاً دولت را نباید دچار مشکلات نموده و مجلس را در معرض مخالفت افکار عمومی گذارد .

اگر بنا باشد مالیات مملکت بک مرتبه پنج برابر ترقی کند دولت دچار مشکلات زیادی خواهد شد.

این مطالب هم صحیح است که بعضی مزارع و قراعه در قدیم بوده است و حالا اصلش بلاموضوع و خراب شده است ولی در عوض مزارع و قراعه ای هست که جدیداً آباد و احداث شده اند و ۴ سال قبل از این آباد و وجود نداشته اند و اینکه غالباً می شود مزارع خراب شده برای این است که اگر کسی احیاناً یک مزرعه یا یک قطعه آبادی داشته باشد خراب شده باشد همیشه مایل است در جرائد اعلان کنند و همه وقت بر دم بگویند فلان ملک من خراب شده است و میل دارد همیشه در مجلس و در همه جا این مسئله عنوان شود ولی اگر یک نفر بیخ قضیه هم آباد کند هیچ وقت نیگوید که من فلان قصبه را آباد کرده ام و هیچ وقت میل ندارد حتی ه قران هم بدولت بدهد و بدیهی است قسمت ثانی هم در مملکت بیشتر است یعنی از چهار سال قبل تا کنون آنقدر که املاک جدید آباد شده خراب نشده است.

میکرند ولو اینکه اسم زکوة هم در کار نباشد باید در گرفتن این مالیات هم تقلید کنیم بصاحب شرع مقدس و آن را صرف مملکت کنیم تا نجات یابیم. البته اگر ما بخواهیم يك مهمانخانه بسازیم و يك معمار عالم كاملی يك بار كی ساخته باشد ما هم برای ساختن مهمانخانه تقلید کنیم بنقشه آن معمار که آن یارک را ساخته است هرگز بشیمان نخواهیم شد. این عجلتاً عریض بنده بود راجع بقره اول و ده يك. اما در فقره دوم یعنی اغنام و احشام بعضی عریض دارم که بعرض میرسانم ... (همه نمایندگان)

میکرند ولو اینکه اسم زکوة هم در کار نباشد باید در گرفتن این مالیات هم تقلید کنیم بصاحب شرع مقدس و آن را صرف مملکت کنیم تا نجات یابیم. البته اگر ما بخواهیم يك مهمانخانه بسازیم و يك معمار عالم كاملی يك بار كی ساخته باشد ما هم برای ساختن مهمانخانه تقلید کنیم بنقشه آن معمار که آن یارک را ساخته است هرگز بشیمان نخواهیم شد. این عجلتاً عریض بنده بود راجع بقره اول و ده يك. اما در فقره دوم یعنی اغنام و احشام بعضی عریض دارم که بعرض میرسانم ... (همه نمایندگان)

که می خواستم عرض کنم این است که نمی دانم چه شده است در گاوکارو گاو میش يك نصابی قائل شده اند ولی در مادیان نصابی نشده اند. و اگر بنا باشد در بعضی دهات يك عائله يك مادیان داشته باشند و بروند از آنها مطالبه مالیات بکنند صحیح نیست ... يك نفر از نمایندگان - برای مادیان هم در این قانون نصابی قائل شده اند شیخ الاسلام - در این قانون که چیزی ندارد کوفسند است و شتر است و گاو است و گاو میش و از مادیان اسمی برده نشده است و در گاو و گاو میش و شتر و کوفسند هم بعقیده بنده آنهایی که سانه هستند و علف مفتی میخورد بایستی مالیات بدهند و آنهایی که مملوقه هستند گرفتن مالیات از آنها تولید زحمت خواهد بود و بنده تصور میکنم اگر در بزومیش مخصوصاً شرط کلائی نشد در هر ده که بزومیش شیده باشد از این خواهند رفت زیرا بکرات تجربه شده است که هائی که صاحبان شان مغارج آنها را میداد بخصوص در زمستان و لو اینکه نتاج هم داشته باشند و شیر هم بدهند باین حال صاحبش ضرر میکند منتهی برای نفعی که بزراعت می رسانند آنها را در ده نگاه میدارند. اینهم صاحب ملکی کوفسندهای خودش را در عقیده بنده بود در احشام و اغنام در تبصره هم دوعرض مختصر دارم یکی این استثناء را تفهیم مینویسد در نطقیکه قبل از وضع این قانون مالیات دیوانی اغنام و احشام را غیر از حق المرتع و این استثناء حق المرتع يك مستثنای غیر مناسبی است یکی هم این است که حکم خیلی بی تناسبی است زیرا صاحب کوفسند یا مالک ملك قرار میگذازد که کوفسندهای او در ملك صاحب ملك چرا کنند و در عرض صاحب کوفسند چیزی به صاحب ملك بدهد صاحب کوفسند که کوفسند خودش را در ملك غیر میچراند و قرار میگذارد چیزی بصاحب ملك بدهد اگر ما بگوئیم نباید صاحب ملك چیزی بگیرد بنظر بنده مناسبی ندارد

چند نفر از نمایندگان - البته نیست شیخ الاسلام - اگر زکوت هم نباشد باید تمام قوانین ایران مطابق قوانین اسلام باشد بنده از جمعی از اشخاص که حاضر المجلس بودند شنیدم که مرحوم ناصرالدین شاه از بیژ مارک سؤال کرد که برای ترقی و تعالی ایران چکنم. بیژ مارک گفته بود تا ریخ صدر اسلام را بگذرانید و مطابق آن عمل کنید تا ترقی کنید و راه دیگر ندارد و همین زکوت و بعضی چیزهای دیگر بود که مطابق دستور صدر اسلام گرفتند و ایران را بآن اوج رفعت و بزرگی که عقول را متعجب می کرد رساندند بطوری که یگروز باران می آمد و هارون الرشید گفت ای باران آیای من مدعی شوی جانی می باری که نفع مملکت اسلامی در آن نباشد.

مخصوصاً این مسئله راهم در نظر گرفتیم که شاید يك سال شتر می زاید ولی روی هم رفته يك سال که زاید سال دیگرش خواهد زاید.

بعلاوه ممکن نبود که يك ماده قانون حلاله را اگر بنا باشد مادر وضع قانون مالیات نظریه ترتیب زکوة داشته باشیم تصدین میفرمائید که باید بین عادات و اصول معلی چه بوده است در صورتی که مانعی خواهیم يك مالیات جدیدی وضع کنیم قصدمان این است همان مالیهائی که قدیم میگرفتند يك ترتیب و تنظیم صحیحی برای وصول آنها بدهیم که بعد از این هم تکلیف دولت و هم تکلیف مأمورین وهم تکلیف مالیات بدها معلوم باشد و الا اگر بنا شد ترتیب قدیم راهم بزنیم و بخواهیم يك مالیات جدید وضع کنیم تصدیق میفرمائید که دچار اشکالات فوق العاده خواهیم شد و شاید باین زودیا از عهده تنظیم مالیات املاک و اراضی بر نیائیم.

این بود آنچه راجع بمسئله زکوة فرمودید اما راجع به اعتراضاتی که در اصل ماده نسبت بر تارع فرمودند اگر لفظ (به) اجاره داده میشود) را درست دقت فرمائید معلوم خواهد شد که مقصود این نیست اگر صاحب ملکی کوفسندهای خودش را در ملك خودش بچراند مالک مالیات باشد و توجیه فرمودید این است که اگر ملك خودش را با چاره داد که کوفسندهای فرزند آنجا بچرند از باب مال الاجاره باید مالک مالیات بدهد حالا نمایانم جاهائی که گزیاچیزهای دیگر دارد به آنچاهم اطلاق میشود مرتع یانه؟ اگر مرتع شامل آنچاهم هم بشود این مسئله مشمول آنها هم میشود زیرا آنچاهم هم يك منافی دارند و باید يك چیزی بدولت بدهند و دولت هم باید املاک آنها را حفظ کند و همانطور که دولت از محصول يك چیزی میگیرد باید از زمین هم يك چیزی بگیرد

این برای رفع همان اعتراض حضرت عالی بوده است.

دیگر بنظر چیزی نفرموده باشند (جمعی گفتند مذاکرات کافی است)

رئیس - رای میگیریم بکفایت مذاکرات آقایانی که تصویب می کنند قیام فرمایند.

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - معلوم می شود کافی است. پیشنهادات قرائت میشود:

(پیشنهادی از طرف آقای حاج شیخ اسدالله بمضمون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم در فقره دوم در آخر قسمت (۴) (۳) (۴) کلمه (در سال) اضافه شود.

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه)

حاج شیخ اسدالله - اگر چه ظاهر این قانون این است که مالیات سالانه است ولی چون تصریح ندارد ممکن است اسباب اشتباه شود که مقصود از مالیات ماهانه است ولی وقتی که تصریح شد که پنج قران یا يك قران (هر چه می دهند) در سال است ضرر ندارد و گمان می کنم اگر آقایان ملاحظه فرمایند این توضیحی است که باعث رفع اشتباه است

مخیر - عرض می کنم اولاً معلوم است که مالیات سالانه است.

ثانیاً اگر میخواهند برای توضیح این کلمه اضافه شود دیگر لازم نیست در الف و ب و ج و دال هر چهار تا اضافه شود ممکن است در همان فقره دوم نوشته شود در سال یا سالیانه و بنده اینطور قبول می کنم.

(پیشنهاد آقای تدین بشرح آتی قرائت شد)

پیشنهاد می کنم که فقره دوم ماده اول بطریق ذیل مقرر شود.

فقره دوم - از احشام و اغنام ایلات از قرار ذیل ...

سید محمد تدین

رئیس - آقای تدین (اجازه)

قدین - بنده در شور کلیات اجازه خواسته بودم متأسفانه مذاکرات کافی شد ولی خوشبختانه این پیشنهاد را قبلاً تهیه کرده بودم

البته آقایان تصدیق می فرمایند که وضع مالیات باید حتی الامکان عادلانه باشد.

در فقره دوم این ماده که نوشته باید از احشام و اغنام بطور مطلق مالیات گرفت در يك قسم بقصد بنده عادلانه نیست برای اینکه شتر و مادیان و گاو و میش و میش و بز مشترک است. زیرا هم در ایلات یافت می

شود وهم در دهات و بنده بطور کلی مخالفم که مالیات از اغنام و احشام باینطور گرفته شود و خواه در ایلات باشد و خواه در دهات زیرا وقتی ما بخواهیم معتقد شویم که از کوفسند یا مادیانهای دهات هم مالیات گرفته شود این مالیات ظالمانه است. مثلاً يك شتر در يك دهه دیده شده اگر بگوئیم دوازده قران مالیات بدهد ظلم است. آخر از روی چه مأخذی يك مادیان که در يك دهه پیدا شده باید پنجقران بدهد و پنجقران مادیان هم که در يك گله یا يك ایل است آهم باید در سال از قران رأسی پنجقران بدهد گاو و گاو میش شیده را استثناء کرده اند. گاو تايك فرد است مستثنی است و اگر دروتا شد از دومی پنجقران بگیرند. يك دهاتی دو گاو دارد که وسیله اعاشه اوست انصاف نیست بگوئیم يك گاو معاف است و گاو دیگری را باید در سال پنجقران بدهی. در بزومیش هم همین طور در صورتیکه تصدیق میفرمائید آن اشخاصیکه صاحب گله ورمه از خودشان نیستند آنها سرمایه های متوسطن هم ندارند چه رسد بسرمایه هم. اگر نظری باین رعایا و دهاتهای بکنیم می بینیم در حاق واقع برای اینک تحویل مالیهائی بر آنها می شود از سایر وسائلی هم که در سایر نقاط برای مردم فراهم است بی بهره هستند يك دهاتی که کاملاً تامين حقوق او از هر حیث نمیشود مانع این همه تحویل بر او بکنیم اگر چه سه مادیان یا دو گاو شیده یا چهار میش و بز داشته باشد و عقیده بنده این است که دهات و قراعه و قصبات مستثنی شوند باین معنی که از این مالیات معاف باشند و این مالیات اختصاص باید بایلات. اگر در ایلات بود که بگیرند اگر نبود که موضوع ندارد و در غیر اینصورت بعقیده بنده این مالیات عادلانه نیست و ظالمانه است

رئیس - آقای محمد ولی میرزا (اجازه)

محمد ولی میرزا - این استثنائیکه آقای تدین در بین ایلات و دهاتین قائلند بعقیده بنده چندان خوب نیست زیرا ما مقدمی برمی داریم و قانونی میگذرانیم برای اینکه مالیات مملکت ما متعادل شکل باشد و وقتیکه مثلاً آقای تدین فرمایند اگر در يك دهه يك رعیت صاحب يك بز یا يك گاو شیده یا پنج میش شیده باشد ظلم است از او مالیات گرفته شود و مالیات مملکت متعادل شکل میشود. آقای تدین باید ملاحظه فرمایند که در یکی از مواد این قانون (ماده ۱۱) حد نصابی قائل شده اند و رعیتی که پنج کوفسند شیده یا يك گاو شیده داشته باشد برای اعاشه خود و کسان خانواده اش کافی است و باین ترتیب این نظر آقای تدین تامين میشود و اگر از نقطه نظر این است که می فرمایند در تمام نقاط ایران و در همه دهات باین اندازه حشم کم است عرض میکنم ولایات از حیث حشم و غنم با هم خیلی فرق دارند بلی بعضی دهات

است که حشم و غیره ندارند یا کم دارند ولی در عرض دهاتی هم هست که در آنها صاحبان گله هست و رعایائی هستند که صد تا دویست تا کوسفند شیده و پنج گاو بز و شیده نگاه می دارند که در حقیقت این مسئله يك قسم تجارتي است و فقط برای اعاشه خود و کسان شان نیست. این فقری که آقای تدین فرمودند (بواسطه اطلاعاتیکه شخصاً دارم بطور قطع می دانم) پس از تصویب این قانون مبطل بنما و تروت خواهد شد.

و این فقر برای این نیست که بکنفر رعیت استطاعت نگهداشتن يك بز شیر ده یا يك گاو ماده ندارد بلکه این تصدی بواسطه بی ترتیبی اخذ مالیات بر رعیت وارد میشده است که رعیت نمیتوانسته است بیش از این بمال و دارائی خود توسعه دهد و بنده تصور میکنم این ترتیب موافق صرفه رعیت هم باشد و از يك طرف هم خوب نیست در مملکتی که ایلات زیاد است ایلات را مستثنی بکنیم و تحلیاتی بر آنها بشود و بدیها این نشود. آنها اگر متاعی دارند اینها هم از راههای دیگر منافع دارند. مالیات باید متحد. الشکل شود چه برای ایلات چه برای دهات چه برای همه. اما مزایای اخذ مالیات می گنیم هر کس میخواهد تجارتي بکند و عایداتی برداشت نماید از آن عایدات باید سهمی بدولت بدهد چه ایل باشد چه دهقان و اگر هم در ایلات احشام و اغنام بیشتر دارند بهمان تناسب هم بیشتر میدهند و در آن قسمتی هم که آقای شیخ الاسلام فرمودند این فرمایشات را از انضمام دانم (در اول هم اجازه خواسته بودم نوبت بنده نرسید) ایشان میخواهند رعایا را با قانون گذاران طرف کنند و بنده جداً این مسئله را تکذیب میکنم زیرا آقای شیخ الاسلام بکنی در این مطلب اشتباه رفته اند و بنده تصور مینمایم وقتی این قانون بگذرد تمام مردم چه مالک و چه رعیت و چه ایل تکلیف خود را می فهمند و از این بی تکلیفی و اشکال مختلفه و صور الوانی که امروز مالیهات بغود گرفته (که در هر دهه و قریه طرز مخصوص در اخذ مالیات معمول است و هیچ صورت خوشی ندارد) خلاص می شوند و طرز متعادل شکلی خواهد یافت که اسباب آسایش و توسعه تروت رعایا باشد.

رئیس - رای میگیریم بقبول توجیه بودن پیشنهاد آقای تدین. آقایان بکنند این پیشنهاد را قبول توجیه می دانند قیام فرمایند (جمعی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب قرائت میشود. (بمضمون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم در ماده اول فقره اول بعد از کلمه اربابی قید شود در صورت استفاده فعلی مالک

یعقوب الموسوی

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

مخصوصاً این مسئله راهم در نظر گرفتیم که شاید يك سال شتر می زاید ولی روی هم رفته يك سال که زاید سال دیگرش خواهد زاید.

بعلاوه ممکن نبود که يك ماده قانون حلاله را اگر بنا باشد مادر وضع قانون مالیات نظریه ترتیب زکوة داشته باشیم تصدین میفرمائید که باید بین عادات و اصول معلی چه بوده است در صورتی که مانعی خواهیم يك مالیات جدیدی وضع کنیم قصدمان این است همان مالیهائی که قدیم میگرفتند يك ترتیب و تنظیم صحیحی برای وصول آنها بدهیم که بعد از این هم تکلیف دولت و هم تکلیف مأمورین وهم تکلیف مالیات بدها معلوم باشد و الا اگر بنا شد ترتیب قدیم راهم بزنیم و بخواهیم يك مالیات جدید وضع کنیم تصدیق میفرمائید که دچار اشکالات فوق العاده خواهیم شد و شاید باین زودیا از عهده تنظیم مالیات املاک و اراضی بر نیائیم.

این بود آنچه راجع بمسئله زکوة فرمودید اما راجع به اعتراضاتی که در اصل ماده نسبت بر تارع فرمودند اگر لفظ (به) اجاره داده میشود) را درست دقت فرمائید معلوم خواهد شد که مقصود این نیست اگر صاحب ملکی کوفسندهای خودش را در ملك خودش بچراند مالک مالیات باشد و توجیه فرمودید این است که اگر ملك خودش را با چاره داد که کوفسندهای فرزند آنجا بچرند از باب مال الاجاره باید مالک مالیات بدهد حالا نمایانم جاهائی که گزیاچیزهای دیگر دارد به آنچاهم اطلاق میشود مرتع یانه؟ اگر مرتع شامل آنچاهم هم بشود این مسئله مشمول آنها هم میشود زیرا آنچاهم هم يك منافی دارند و باید يك چیزی بدولت بدهند و دولت هم باید املاک آنها را حفظ کند و همانطور که دولت از محصول يك چیزی میگیرد باید از زمین هم يك چیزی بگیرد

این است که کسب بون فکر کرد اگر بخواهد برای مطلق شتر مالیهائی وضع کند يك تحمیلی بشود بر صاحبان شتر زیرا شتر ماده علاوه بر اینکه صاحب از بار کشتی او استفاده میکند از نتاج او هم فایده می برد و در حقیقت این دوازده قران مالیات برای نتاج او وضع شده و اینکه فرمودید شاید نتاج ندهد لفظ زاید را از همین نقطه نظر اضافه کردیم و

واقع است (اضافه شود تا درست معام باشد)
 مخبر- درخصوص این پیشنهاد آقای سدیدالملک در کمیسیون هم مذاکره شد و آقای وزیر مالیه پیشنهاد کرده اند که مراجع به قانون مستغلات تجدید نظری بشود و در آن قانون طواحقین و آب دنگها را هم اضافه کرده اندولی چون در قانون مستغلاتیکه فعلاً مجری است از طواحقین و آب دنگها و همچنین از بعضی چیزهای دیگر اسمی برده نشده است این بود که در قانون میزبی علاوه کردیم بعد که قانون مستغلات را پیشنهاد کردند آنجا هم یاد آوری شد و مخصوصاً در کمیسیون هم چنین مذاکره شد و گفتند چون قانون مستغلات هنوز بجلس نیامده در اینجا بطورمطلق نوشته میشود و چون بعداً در قانون مستغلات مذاکره میشود بعقیده بنده خوب است این ماده را همین طور بگذاریم باشد و راجع به طواحقین و آب دنگها در آن قانون اشاره کنیم که آنچه در قراءه و تصبات است جزء این قانون و آنچه در شهور واقع است جزء قانون مستغلات است

رئیس- آقای حاج میرزا علی محمد- دولت آبادی .

(اجازه)

حاج میرزا علی محمد- بنده موافق و لی توضیحی دارم. اجازه میفرمائید عرض کنم .

رئیس- اگر موافقت فرمایید بکنیم .

حاج میرزا علی محمد- بنده توضیح لازمی را باید بدهم چون عضو کمیسیون هستم و مطلب هم مجمل مانده است. اولاً قانون مستغلات فقط متخص به املاک اجاره ایست و این ماده هم است از اجاره و غیر اجاره .

ثانیاً مالیات مستغلات هم جزء مالیات دولت است و نوشته اند جزء مالیه بلدی است تا اینکه آقا بگویند آنچه در دعات است خارج از این قانون است

شیخ الرئیس- قانون مستغلات مربوط باجاره نیست .

حاج میرزا علی محمد- خیر راجع با ملاک اجاره ایست .

در هر صورت این قانونی را که اینجا نوشته اند اهم است از شهرها و دعات و مربوط بقوانین بلدی نیست و آن قوانینی که برای مستغلات است منحصر بمالیاتهای است که مخصوصاً برای بلدوضع میشود و قانون مستغلات را مجلس برای بلد وضع نکرده بلکه برای کلیه املاک اجاره و بطور مطلق وضع نموده است در هر صورت خارج از موضوعی است که بفرمائید .

رئیس- آقای سدیدالملک (اجازه)

سدیدالملک در این قانون ذکر شده است طواحقین و آب دنگها . چون بعضی طواحقین و آب دنگها در شهرها واقع است و مشمول قانون مستغلات است و عایدی آنها صرف مخارج بلدی میشود و فقط در دعات جزء مالیات محسوب است و برای اینکه وقتی داخل در اجرای قانون مستغلات یا مالیات مستقیم شد تولید منازعات و کشمکشهایی بین مردم و مأمورین دولتی نشود عقیده بنده اینست جمله (که در دعات

یول بیاورند ؟

البته باید مردم بدهند باید مردم بنان وفجیل قناعت کنند و از کدبیین برای حفظ مملکت خود ایثار مال و تهیه لوازم نمایند این است از نقاط جنوب و اکثر ولایات فارس هم که عشریه می گیرند بدون استثناء و تبیض بین اشخاص مردم کمال رضایت هم دارند آنجاها تیکه بطرز عشریه نمیگیرند مقدار مأخوذی باشکال مختلف صدی می شود بنده عرض میکنم توده ملت یعنی مردم زحمتکش حاضرند ده یک بدهند و عدم رضایت آنها فقط از عدم تساوی و از این است که علاوه بر مالیاتهای ذراعتی پولهایی بعنوان سرشوری و یا شوری و بدن شوری و غیره و غیره از مردم بیچاره گرفته می شود و معذالک امنیت هم ندارند و علاوه بر این حکام و خوانین هر نوع تحبیلی هم بخواهند بر این بیچاره ها میکنند اگر بنا باشد ده یک از زمین حاصل خدا داده برای حفظ مملکت گرفته شود و باقی بین زارع و مالک بالسویه تقسیم کرد دیگر نه سرشوری بدهند یا شاماری نه یا اندازی نه غیر آن آتوقست رعیت هم آسوده می شود مملکت هم از فقر و فاقه نجات میابد والا اگر آقایان و مال و همه چیز حاضر شوند و سعی کنند برای صیانت و حراست قانون مقدس اسلام و دفاع مملکت اسلامی .

بنده تصور میکنم این مالیاتی که در نظر گرفته اند فقط برای اداره کردن دوائر مربوطه و مأمورین خصوصی این مالیات کافی است .

عقیده این است و باید بگویم خواه مردم را خوش آید یا بد آید . من پیش خدا و وجدان خود مسئولم اینجا میگویم عشریه بگیرند از خالص عایدات ارباب . در بعضی نقاط از قبیل کردستان از عایدات چیزی که بمالک میرسد ده یک است از ده یک بگیرند آن وقت عشر آن راهم حساب بکنند هزار یک میشود نمیدانم چند یک میشود درست حسابش را نکرده ام

معتمد السلطنه - آذربایجان هم همینطور است

آقای میرزا علی - آذربایجان ده یک و ده دو میگیرند در اکثر نقاط چهار یک است یعنی چهار ما زارع و یکی مال مالک است .

اگر عشر و خسوف و کسوف (خنده بین نمایندگان)

و آفات ارضی و سماوی راهم موضوع مجزی کنیم اگر چه آقایان همه صاحب ملکند و شاید بهتر از بنده میدانند و رأی هم داده شد که مذاکرات کافی است و بنده هم معلیم و البته حرفی ندارم لیکن تصور بکنید در این مملکت که سید و پنجاه فرسخ راه مردمش باید مالیات بدهند برای حفاظت و صیانتش از کجا باید

دوره چهارم

رئیس - آقای دستغیب (اجازه)

حاج سید محمد باقر دستغیب - آقای شیخ الاسلام در اثناء بیانات خود فرمایشی فرمودند و میزان را قانون شرع و اسلام گرفتند و بهترین عبارتی هم که فرمودند همین بود برای اینکه ما نگاه میکنیم می بینیم بن سائم و غیر سائم فرق گذاشته اند از اینجا میفهمیم که بهترین قوانین قانون شرع و قانون اسلام است و بهترین طرز مالیات هم همان زکوة است طرزی است که قانون اسلام معین کرده است یک عده گوسفند است که فلان بیوه زن یا رعیت یا دهانی متکفل امور و مخارج او میشود حالا با ده تا است یا بیچتا است یا سه تا یا دو تا مثل اختلافها این خلاف انصاف است کسی را که متکفل علوفه و پرستاری و مخارج دیگر آنها شده است بیایند بگویند حالا که شما شش تا حشم دارید آن پنج تا را که مستثنی است استثناء کنید و آن یکی را که علاوه است و خودتان علوفه داده اید مثلا ه قران بدهد آقای محمد ولی میرزا فرمودند نباید فرق گذاشت مابنه ایل دهاتی یا مالک یا رعیت بنده عرض میکنم البته باید فرق گذاشت مابین کسیکه ه هزار گوسفند دارد و در تمام سال با آنها علوفه میدهد و اموراتش را مرتب میکند و البته باید فرق گذاشت بین یک گله احشام و اغنام دارد و مجانی در بیابان میچرد با کسی که متکفل مخارج گوسفند های خود میشود بنا بر این عقیده بنده این است که راجع به احشام و اغنام غیر معلومه قید شود

غیر از احشام فقر و وضعاً تا فرقی مابین جمع از مردم که متکفل مخارج آنها هستند با عده که نگهداری گوسفند برایشان مفت نام میشود موجود باشد

رئیس - آقای محمد ولی میرزا (اجازه)

محمد ولی میرزا - بنده گمان نمیکنم آنطور که آقای دستغیب فرمودند عرض کرده باشم بنده عرض کردم بین ایلات و رعایای دعات نباید فرق گذارد و از روی یک اصل تناسب باید از همه اخذ مالیات شود . اینجا مسئله قدری مبهم میشود از یک طرف آقای شیخ الاسلام حساب فرمودند که باین ترتیب مالیات . ه کرور میشود و این خیلی زیاد است از یک طرف آقای آقا میرزا علی کلزونی میفرمایند از مالیات اینطور اخذ شود کفایت مخارج میزین و مستخدمین را هم نخواهد کرد و تمام مخارج مملکتی بزمن خواهد ماند بنده تصور میکنم اگر آقایان این ماده را (همانطور که در کمیسیون مذاکره شد و در اطرافش غورو تحقیق و دقت بعمل آمده تصویب بفرمائید نه مالیات سر به . ه کرور میزند نه اینکه کفایت مخارج را نمیکند و انشاء الله مالیات

بطور عادلانه اخذ میشود و ادارات مملکت هم مرتب و منظم خواهد شد و بعقیده بنده ضامی هم بر ما مالکین نخواهد شد

رئیس - آقایانیکه این اصلاح را قابل توجه می دانند قیام نمایند عده قلبی قیام نمودند

رئیس - تصویب نشد پیشنهاد آقای قمی قرائت میشود

شرح ذیل خوانده شد

بنده پیشنهاد میکنم در فقره اول بطرز ذیل اصلاح شود:

از اراضی مزروعه و جنگلهای طبیعی اربابی و مراعی که با جاره داده میشود عشر عایدات ملک اعم از نقد یا جنس بعد از وضع صدی سی برای مالک و گاو بند رعیت . و در فقره دوم :

در شتر ماده و گاو و گاو میش کلانی پنج قران و از بز و میش شیرده (بیلاق و قشلاق رو) ده شاهی گرفته شود . (ابراهیم قمی)

رئیس - آقای قمی (اجازه)

آقا میرزا ابراهیم قمی - عقیده بنده اینست که باید حد وسط بین افراط و تفریط را گرفت تقسیمات در بلوکات و شهر های ایران خیلی متفاوت است همانطور که آقای کلزونی فرمودند در زنجان و خمسه رسم است که یک قسمت شتر را مالک میبرد و چهار قسمت گاو بند رعیت هیچ انصاف است که از پنج یک اربابی که مالک میبرد یک عشر بگیرند و از چهار قسمت رعیت هیچ نگیرند؟ در ورامین اطراف خوار کاهی سه ربع رعیت میگیرند و ربع مالک کاهی نصف رعیت میبرد نصف مالک . در بلوک قشایویه - در بلوک غار و قشایویه پنج یک کاری است یعنی رعیت پنج یک میبرد و برای بدر و هم دو قسمت برای ملک و آب هم دو قسمت و در حقیقت رعیت یک قسمت بیشتر نمی برد و بنده عقیده ام اینست که کلمه مالک را از این ماده حذف نمایند و بر عایدات ملک مالیات ببنند ولی بعد از وضع سه عشر یعنی یک عشر برای رعیت و کارگری که آفتاب می خورد و زحمت میکشد تا یک محصولی را بدست می آورد معین کنند و یک عشر هم از آنجا مسئله قدری مبهم میشود از یک طرف آقای شیخ الاسلام حساب فرمودند که باین ترتیب مالیات . ه کرور میشود و این خیلی زیاد است از یک طرف آقای آقا میرزا علی کلزونی میفرمایند از مالیات اینطور اخذ شود کفایت مخارج میزین و مستخدمین را هم نخواهد کرد و تمام مخارج مملکتی بزمن خواهد ماند بنده تصور میکنم اگر آقایان این ماده را (همانطور که در کمیسیون مذاکره شد و در اطرافش غورو تحقیق و دقت بعمل آمده تصویب بفرمائید نه مالیات سر به . ه کرور میزند نه اینکه کفایت مخارج را نمیکند و انشاء الله مالیات

طور که آقای تدین فرمودند آتھائی که ربه و کله دارند و علوفه نمی دهند از آنها باید مالیات گرفت ولی یک نفر دهاتی که چند رأس گاو و گوسفند دارد بانگفتنی که همه ساله می دهد دیگر این چیزی نیست که از آن مالیات اخذ کنند ولی گاو و گوسفندی که ربه است و بیلاق و قشلاق میرود و از شیر و پشم و پنبه آن فایده میبرد البته باید مالیات بدهد همینطور شتر و گاو و مادیان ربه ولی رعیتی که یک مادیان دارد و معلوم نیست که تر است یا نه انصاف نیست که از او مالیات گرفته شود .

این بود عقیده بنده راجع بگاو و گوسفند و مادیان ولی یک وقتی است که رعیت برای رفع احتیاج خودش چون بشهر دسترسی ندارد که برود پنبه بخرد یا ماست بخرد دوسه رأس گوسفند نگاه می دارد و در این صورت دور از انصاف است از آنها مالیات گرفته شود ولی آن کسیکه در بیابان یا نصد گوسفند نگاه می دارد و فایده زیادی از آنها میبرد البته مالیات باید بدهد مطلب دیگر اینکه سابقاً هر بز یا میش را سالی صد دینار یا یک عباسی می گرفتند ولی حالا اگر بخواهند یک قران بگیرند این زیاد است . مالیات را باید متدرجاً زیاد کرد تا مردم زیر بار بروند نه اینکه یک مرتبه او را ترقی داد حالا خلاصه عرایض خود را عرض میکنم .

راجع بملك باید صدی سی از عایدات را برای مخارج و غیره موضوع نمود و بعد از صد هفتاد آن مالیات را برداشت مابقی باید بین رعیت و مالک تقسیم شود یعنی اگر پنج يك ككاری است يك سهم رعیت میبرد و دو سهم هم مالک از براء بدر و گاو و دو سهم هم برای آب و ملك و اگر دولت کاری کند که این ترتیب را در مملکت مجری دارد خیلی خوب است والا در بعضی نقاط مثل ورامین که محصول زیاد است نصف مالک میبرد و نصف رعیت ولی جاهای دیگر پنج یک رعیت میبرد و مابقی را مالک .

رئیس - آقای محمدولی میرزا (اجازه)

محمد ولی میرزا - آقای قمی خودشان باید کاملاً مطلع باشند در کمیسیون قوانین مالیه موقمی که این ماده نوشته میشد ما نفخاستیم که تقسیمات ارباب و رعیتی را در نظر بگیریم و همانطور که فرمودند بعضی نقاط مثل خمسه مالک چهار یک میبرد و در غرب مالکین نصف میبرند و در آذربایجان پنج دو میبرد و در واقع يك صورت متحد الشکلی ندارد که ما بتوانیم آن را مأخذ قرار داده و از روی آن مالیات وضع کنیم بالاخره اینطور صلاح دیدیم که مالیات از عایدات ارباب گرفته شود و هیچوجه بر رعیت تحمیل نشود از آن طرف آقای قمی می فرمایند که صدی سی را از عایدات وضع کنیم

مالک اما راجع بشتر کلانی و ماده گاو همان

و بعد از صد هفتاد آن مالیات بگیریم و مابقی را مالک و رعیت بین خودشان تقسیم نمایند .

بنده عرض میکنم موضوع خرج بسته به مخارجی است که بیش می آید مثلا در یکجا برای تعمیر قنوت دو عشر موضوع شده است و در یکجا برای رود آب يك عشر و نیم و در نقاطی که دیم است چون هیچ مخارجی بر آن تعلق نمیگیرد چیزی موضوع نمی شود بنده تصور میکنم با این وضع مختلفی که در ایران بین ارباب و رعیت است غیر از این صورت و ترتیبی که اینجا نوشته شده است عملی نیست و گمان نمیکنم کمیسیون بتواند قبول کند

رئیس - آقایانیکه اصلاح آقای قمی را قابل توجه میدانند قیام نمودند (عده قلبی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد (پیشنهاد آقای شیخ الاسلام بشرح ذیل قرائت شد)

پیشنهاد میکنم که بعد از لفظ مراعی در فقره اول از ماده اول نوشته شود که غیر از مراعی کنیا

(شیخ الاسلام اصفهانی)

شیخ الاسلام اصفهانی - اگر مراد از مراعی اعم است از ترنجبین گز خوانسار و شیرخشخت چون دولت از کنیا در گمرک حقوق میگیرد عقیده بنده اینست که آن را استثناء کنیم .

و آقای طباطبائی هم فرمودند ضروری ندارد می خواهم ایشان را متذکر کنم باین که در این ماده نوشته است جنگل های طبیعی و مراعی که با جاره داده بشود از عایدات خالص نقدی یا جنسی آن مالیات اخذ میشود ولی آنها تیکه می خواهند استفاده کنند مراعی را اجاره نمی دهند و خودشان ضبط می کنند حالا اگر صلاح بداند این جمله را تبدیل بیک عبارت دیگری بفرمائید که اسباب حبله بازی و ندادن حقوق دولت نباشد بهتر است

رئیس - آقای حاج میرزا علی محمد (اجازه)

حاج میرزا علی محمد دولت آبادی - آقای شیخ الاسلام گویا فراموش فرمودند که در قانون کنیا مخصوصاً تصریح شده است که هیچگونه مالیاتی بعنوان کنیا از مالکین آن گرفته نخواهد شد وهم چنین تصریح شده است از اشخاصی که متصدی گرفتن کنیا هستند هیچ مالیاتی اخذ نمیشود و فقط در گمرک از قرار صدی چهل مالیات اخذ میشود در این صورت بعقیده بنده تصریح آن در این جا مورد ندارد ولی اگر غیر از کنیا هم استفاده میبرند (مثل اینکه سردرختی آن را اجاره میدهند) از عایدی آن باید مالیات دولت را گرفت

ا. ا. راجع بمسئله اجاره بنده عرض می

ا. ا. راجع بمسئله اجاره بنده عرض می

کنم که جنگلها دو قسم است يك قسم جنگلهائی است که عنوان عایدی بر آنها صدق نمی کند ولی بین جنگلهائی است که اجاره داده میشود باین جهت اینجا اسم برده شده است و اگر میخواستیم مطلق بنویسیم آن قسمی را که فلان رعیت هیزمش را میبرد یا گوسفندش در آن جا میچرد اسباب زحمت او را فراهم میآورند باین جهت در آن ماده قید شده است که اجاره باشد

شیخ الاسلام - بنده متقاعد شدم رئیس - پیشنهادتان را مسترد می کنید؟

شیخ الاسلام بلی رئیس - آقای تدین (اجازه)

تدین - این جوابهائی را که آقای محمد ولی میرزا فرمودند متأسفانه بنده را قانع نکرد اولاً اظهار کردند که نیاستی میان ایلو غیر ایل فرق گذاشت بنده از این نقطه نظر نخواستم فرق بگذارم که چون آنها ایلات هستند باید بر آنها تعمیم کرده و بیک عده دیگر که در دهات هستند تعمیم کرد بلکه نقطه نظر من عایدات بود و باین جهت عرض کردم از شتر و مادبانی که شما می خواهید مالیات بگیرید باید سائمه و کله باشد نه از يك رأس شتر و مادبانی که در يك کوره دهی پیدا میشود این برخلاف عدل و انصاف است ما برعابا چه می دهیم که این قدر بر آنها تعمیم می کنیم بنده عقیده ام این است که حرف را بیاستی يك روزی مقرون بعمل کرد و آن روز امروز است و اگر امروز بگذرد و بعد بنده بلند شوم و یقه پاره کنم هیچ فایده ندارد اگر ما حقیقتاً علاقه داریم باینکه يك روزی این دهاتی ها و رعایا عایدی داشته باشند امروز باید با آنها کمک کنیم تا بعد که آنها دارا شدند بتوانیم از آنها مالیات بگیریم و باید حتی الامکان وسائل آسایش آنها را فراهم بیاوریم تا فلان رعیت ده رأس گوسفند و پنج رأس کاونداشته باشد پول دستش نمی آید و نمی تواند برای خودش لانه درست کرده و نمی تواند اراضی بخرد و آباد کند همی ما این جا فریاد بزنیم که اراضی را باید برعابا داد این منطق ندارد شما اول رعیت را صاحب ثروت کنید و وسائل قبضه آسایش او را فراهم بیاورید بعد هر قدر می خواهید باو مالیات تعمیم کنید بنده عقیده دارم که باید کلمه کلانی در اینجا اضافه شود هر کس شتر و مادبان کلانی دارد باید مالیات بدهد ولی در يك جائی که ۳ شتر و مادبان است هیچ عادلانه نیست که از آنها چیزی گرفته شود بنده اطلاع دارم که در هفته قبل قریب هزار نفر شتر بین راه دزد آب و قاتل سرقت شده است آن وقت نگویید

که هر شتری را دوازده قران باید بدهد بنابراین بنده باین ترتیب عقیده ندارم و اگر مطابق این لایحه مالیات اخذ شود ظالمانه می دانم و پیشنهاد کرده ام که از شتر کلانی و مادبان رمه مالیات اخذ شود و معذک می خواهید قبول بفرمائید می خواهید نفرمائید

رئیس آقای محمد ولی میرزا (اجازه)

محمد ولی میرزا - بنده مقصودم این نبوده است که برعابا تعمیم فوق العاده بشود بنده هم مقصودم همان نظر مقدسی است که آقای تدین فرمودند ما باید ملاحظه کنیم که يك روزی رعیت دارای ثروت صاحب حیاتی بشود بنده می بینم اگر این مسائل را از پیشنهاد کمسیون کسر کنیم آن وقت يك نكس فوق العاده بر عایدات دولت وارد خواهد آمد و وقتی که دولت عایدات داشت که بتواند قشون تهیه نماید و از سرفتی که در دزد آب میشود جلوگیری کند با از سر کشی ایلات و تخطیاتی که قلدرها میکنند مانع نماید تا وسائل آسایش رعیت فراهم نشود رعیت داری هیچ چیز نمیشود و فقط بوسیله اینست که رعیت صاحب ثروت می شود و فرض بفرمائید يك رعیتی صدر آس بزبامش داشته باشد اگر هر روز بیایند آنها را غارت کنند و ببرند فایده ندارد خوب است بشکایات رجوع بفرمائید

اگر در این پیشنهاد کمسیون مذاقه می کنیم برای این است که بخیر و صلاح رعیت است

برای حفظ ثروت و نگاهداری رعیت است این است که باید بقدر کفایت مالیات وضع نمود تا اینکه بشود امنیت را در تمام مملکت برقرار کرد و بطوری که آقای تدین فرمودند اگر در يك نقطه سرفتی واقع شد آنوقت می توانیم بصدای بلند مؤاخذه کنیم که چرا اموال رعیت را سرقت کرده اند

رئیس - آقایانیکه اصلاح آقای تدین را قابل توجه می دانند قیام بفرمائید

اکثر نمایندگان قیام نمودند رئیس - قابل توجه شد پس این ماده هم می ماند

فلا چند دقیقه تنفس داده میشود (در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از نیم ساعت مجدداً تشکیل

گردد) (پرگرام هیأت دولت را آقای وزیر عدلیه بشرح ذیل قرائت نمودند)

مقام محترم مجلس شورای ملی شیدانه ارگانه

حوایج مملکت و اقداماتی که از طرف هیأت دولت باید در رفع آن حوائج بعمل آید امروز تقریباً بر همه کس معلوم

است و حاجت بشرح و بیان ندارد و کابینه های سابقه اصول آنها را بطور مختصر و مفید در پرگرام های خود درج نموده اند هیأت حالیه نیز در واقع همان پرگرام ها را تعقیب خواهد کرد

لکن برای این که معلوم شود هیأت دولت حالیه چه اموری را بالاخص مامور منظور خود دارد و در آن امور مخصوصاً از نایبندگان محترم ملت استمداد می کند مواد ذیل بعنوان پرگرام عملی تقدیم مجلس شورای ملی میشود

۱- توسعه و نشر معارف و فرستادن شاگرد بخارج برای تحصیل معلومات عالیه و تقیه و تنظیم و تکمیل تعلیمات عمومی و عالیه مملکتی و اتمام درامر حفظ احوال عمومی

۲- تکمیل قانون اصول محاکمات حقوقی بر طبق تجارب حاصله و حوائج حال مملکت ضرورت نامه دارد و هر چند نمیتوان گفت سهولت ممکن است لکن تصدیق خواهد نمود فرمود که هیچیک از آنها مرام و آمال دورودراز نیست و این هیئت امیدوار است که با مساعدت مجلس شورای ملی این تهافت را که در مقابل ملت می کند انجام دهد

مسائل مهمه دیگر از قبیل اقدام به معیزي و توحید مالیات های متدعه مملکتی و بلدی و تسویه عاوری که نسبت بدولت میشود و اعاشه و اعمار نقاط مغروبه مملکت و بسا چیزهای دیگر نیز منظور است که هیأت دولت فعلاً ذکر آنها را در پرگرام خود مقتضی ندیده لکن البته از نظر من نخواهد شد در خاتمه تذکر می دهد این که در ماده سوم پرگرام اصلاح ترتیب سر باز گیری مذکور شده هر چند در موقع تقدیم لایحه مزبوره ملل و موجبات پیشنهاد آن مشروحاً بیان خواهد شد هجالتاً برای استحضار خاطر نمایندگان محترم توضیح می شود که يك علت عمده آن این است که ترتیب نتیجه سر باز گیری که ۸۰ سال قبل داده شده با اوضاع حالیه مملکت موافقت ندارد و تکالیف يك قسمت از اهالی مملکت ب قسمت دیگر تعمیم میشود

۱- حفظ مناسبات حسنه با دول متجاو و انجام قراردادهای تجارتي و بستی و تلگرافانی با دولت روسیه بطریقی که با مصالح مملکت توافق داشته باشد و عقد قرار داد بستی با دولت افغانستان

۲- تسریع در تهیه وسائل انتظامات دوره پنجم و مراقبت در صحت جریان آن

۳- پیشنهاد لایحه قانونی در اصلاح ترتیب سر باز گیری و تهیه وسائل نظامی از قبیل اسلحه و آرم و بیلان

۴- تسعی در انجام امر انبار نطف و تدارک وسائل استفاده ملت از منابع ثروتی مملکت و اهتمام در امر تاسیس راه آهن و تکمیل طرق شوسه مملکت و دائر کردن وسائل نقلیه اتومبیلی در طرق و شوارع موجوده و سعی در موازنه صادرات و واردات و استخدام متخصصین برای وزارت فوائد عامه

۵- تقویت عملیات متخصصین مالیه در اجرای صرفه جوئی های ممکن در مخارج دولت و تدارک بودجه و اصلاح ادارات مالیه و تمرکز جمع و خرج و تهیه و کلیه پرداخت حقوق پس افتاده مستخدمین و سایر حقوقی که برده دولت است و تسویه و تنظیم امور بانك ایران

۶- توسعه و نشر معارف و فرستادن شاگرد بخارج برای تحصیل معلومات عالیه و تقیه و تنظیم و تکمیل تعلیمات عمومی و عالیه مملکتی و اتمام درامر حفظ احوال عمومی

۷- تکمیل قانون اصول محاکمات حقوقی بر طبق تجارب حاصله و حوائج حال مملکت ضرورت نامه دارد و هر چند نمیتوان گفت سهولت ممکن است لکن تصدیق خواهد نمود فرمود که هیچیک از آنها مرام و آمال دورودراز نیست و این هیئت امیدوار است که با مساعدت مجلس شورای ملی این تهافت را که در مقابل ملت می کند انجام دهد

رئیس - راجع پرگرام هیأت دولت امشب مذاکره خواهید فرمود یا ترتیب سابق رفتار خواهید کرد؟

(جمعی گفتند تطبیح و توزیع شود) رئیس - ماده دوم لایحه معیزي قرائت میشود

بشرح ذیل قرائت شد ماده دوم عایدات متوسط مالک ثلث عایدات تخمینی بدون آفت ۳ ساله عالی و متوسطه و دانی است در ظرف ۱۰ سال اخیر بعد از وضع بندر (در صورتی که بر عهده مالک باشد) و بعد از وضع عشور و مستثنیات ماده (۳)

رئیس - آقای شیخ الاسلام اصفهانی (اجازه)

شیخ الاسلام - در این ماده عرض ندارم

رئیس - آقای کازرونی (اجازه)

مخبر - در این ماده باید بعد از لفظ دانی کلمه مالک هم اضافه شود

آقای میرزا علی - این ماده طرز تعیین مالیات رامعین می کند و هم چنین میگوید دولت عایدات تخمینی بدون آفت ۳ ساله عالی و متوسطه و دانی را در نظر میگیرد و از این ۳ قسمت خدمت متوسطی را مدرك قرار دهند و پس از وضع عشور و مستثنیات که در این قانون ذکر شده است آقایان تصدیق می فرمایند که دولت و زارع يك دفتران منظم ندارند و مالک آن مقدار تخمینی که بصره و صلاح خودش نزدیک تراست اظهار میکنند و این مسئله قابل انکار نیست همین که دولت از مالک سؤال کرد که عایدی ۱۰ ساله اخیر تو چقدر بوده مالک اگر صد خروار عایدی داشته ۵۰ خروار قلمداد می کند و اگر

دیند اسباب زحمت می شود بيك دلالی کسی دانیم مفتش را راضی می کند و بالاخره از آن ۱۰ يك يك مالیاتی که دولت باید بگیرد نصفش می کنند و اتفاقاً آن ۱۰ يك دو نیم میشود و بعد علاوه يك عشور را هم در این قانون

استثناء میکنند و بنده معتقدم که این مالیات بکاو خراج مملکت رانمی کند مخارجی که دولت بیاستی برای تهیه يك رژیم مامور برای ۲۵۰ فرسخ راه بنماید این مالیات تکافوء نمی کند و بالاخره بعد از بيكی ۲ سال می بیند که آن عایدی سابق هم از بین رفته و بيك تشنجی هم در مملکت زیاد شده و مردم هم دیده اند که این مالیات بصره و صلاح شان نزدیک تر است همینکه دولت خواست تغییر بدهد ممکن است بيك عصیان و تمرد هائی پیدا شود و بنده نمی دانم که بالاخره چه خواهد شد و بنده مجبورم مکتفم بر طبق عقیده ام بيك اظهاراتی نمایم ولی چون بعضی صحبت هامی شود باین جهت بنده می باید نان را بنرخ روز بخورم بنده دلم برای رنجبرها می سوزد و غصه آنها را هم می خورم برای اینکه وقتی دولت پول نداشته باشندی تواند در تمام مملکت امنیت برقرار نیاید آن وقت این رعیت های بدبخت جان و مال شان در معرض خطر است و بالعکس اگر دولت پول داشته باشد نمی گذارد دیگران دست تعدی بطرف آنها دراز کنند و وقتی که رعیت امنیت داشت بیشتر زراعت میکنند و بالاخره این عقیده من بمنفعت زارعین تمام می شود اگر خواسته باشیم ترتیب مالیات بگیریم اگر هیچ نگیریم بصره دولت نزدیک تراست خدا کریم است پول می رساند اگر هم نندرض می کنیم در صورتی که عقیده بنده این است قیمت استقلاله که باید بتوسط پول نگذارند شود قیمت تمام اهالی ایران است و هر چه ما توانستیم بدهیم صرفه ماست اگر زارع و مالک و مردم ۱۰ يك از کلیه عایدی خودشان را بدولت می دادند دولت مجبور نبود بگردن دفاتری راجع بکسوف و خسوف داشته باشد آن وقت يك منازعاتی هم بین مالکین و مفتشین بشود و بنده با این ماده مخالفم

مخبر - در این ماده باید بعد از لفظ دانی کلمه مالک هم اضافه شود

آقای میرزا علی - این ماده طرز تعیین مالیات رامعین می کند و هم چنین میگوید دولت عایدات تخمینی بدون آفت ۳ ساله عالی و متوسطه و دانی را در نظر میگیرد و از این ۳ قسمت خدمت متوسطی را مدرك قرار دهند و پس از وضع عشور و مستثنیات که در این قانون ذکر شده است آقایان تصدیق می فرمایند که دولت و زارع يك دفتران منظم ندارند و مالک آن مقدار تخمینی که بصره و صلاح خودش نزدیک تراست اظهار میکنند و این مسئله قابل انکار نیست همین که دولت از مالک سؤال کرد که عایدی ۱۰ ساله اخیر تو چقدر بوده مالک اگر صد خروار عایدی داشته ۵۰ خروار قلمداد می کند و اگر

دیند اسباب زحمت می شود بيك دلالی کسی دانیم مفتش را راضی می کند و بالاخره از آن ۱۰ يك يك مالیاتی که دولت باید بگیرد نصفش می کنند و اتفاقاً آن ۱۰ يك دو نیم میشود و بعد علاوه يك عشور را هم در این قانون

رئیس - پس رای می گیریم بکفایت نمایان که مذاکرات را کافی می دانند قیام بفرمائید

رئیس - پس رای می گیریم بکفایت نمایان که مذاکرات را کافی می دانند قیام بفرمائید

رئیس - پس رای می گیریم بکفایت نمایان که مذاکرات را کافی می دانند قیام بفرمائید

رئیس - پس رای می گیریم بکفایت نمایان که مذاکرات را کافی می دانند قیام بفرمائید

رئیس - پس رای می گیریم بکفایت نمایان که مذاکرات را کافی می دانند قیام بفرمائید

رئیس - پس رای می گیریم بکفایت نمایان که مذاکرات را کافی می دانند قیام بفرمائید

(اغلب نمایندگان قیام نمودند) رئیس - معلوم می شود کافی است

رئیس - معلوم می شود کافی است

رئیس - معلوم می شود کافی است

رئیس - معلوم می شود کافی است

رئیس - معلوم می شود کافی است

رئیس - معلوم می شود کافی است

رئیس - معلوم می شود کافی است

رئیس - معلوم می شود کافی است

رئیس - معلوم می شود کافی است

رئیس - معلوم می شود کافی است

رئیس - معلوم می شود کافی است

رئیس - معلوم می شود کافی است

رئیس - معلوم می شود کافی است

رئیس - معلوم می شود کافی است

رئیس - معلوم می شود کافی است

رئیس - معلوم می شود کافی است

رئیس - معلوم می شود کافی است

رئیس - معلوم می شود کافی است

رئیس - معلوم می شود کافی است

رئیس - معلوم می شود کافی است

رئیس - معلوم می شود کافی است

رئیس - معلوم می شود کافی است

رئیس - معلوم می شود کافی است

رئیس - معلوم می شود کافی است

رئیس - معلوم می شود کافی است

رئیس - معلوم می شود کافی است

رئیس - معلوم می شود کافی است

رئیس - معلوم می شود کافی است

رئیس - معلوم می شود کافی است

رئیس - معلوم می شود کافی است

که معین کرده است که از عایدات مالک کسر شود و این از بابت مخارجی است که از بابت قنات و غیره خرج کرده اند البته این یک میزان کلی است که کمیسیون معین کرده و کسر کرده میزان حقیقی مخارج است که مالک کرده و حالا ممکن است در بعضی جاها بیشتر یا کمتر از این میزان که مالک خرج میکند باشد و در بعضی مواقع هم ممکن است تعادل کنند زیرا اگر دولت بخواهد وارد تحقیق بشود و از روی حقیقت میزان مخارج هر قریه را معین کند باید تصدیق بفرمائید که هیچ وقت عملی نخواهد شد آن وقت باید دولت در هر قطعه ملکی یک مباشر داشته باشد که بجزئیات مخارج مالک رسیدگی کند که خرج قنات چقدر شده و خرج مباشر چقدر است آن وقت مخارج را از عایدات کسر کند و از مابقی مالیات بگیرد.

اولاً مقصود اینست که بر سهیم زارع مالیات وضع نشده باشد و از مالک گرفته باشد چنانچه اساس مالیات و سابقه عمل در مملکت ما همین بوده و کلیه مخارج را از سهم مالک کسر میکرده اند و یک عشر میگرفته اند.

حالا هم برای اراضی که از قنات مشروب میشود چون برای آن بیشتر خرج کرده اند یک میزانی علاوه اراضی هم که بواسطه رودخانه مشروب میشود و همینطور اراضی بین و دیم معین شده است این نقطه نظر کمیسیون بوده است.

اما اینکه داخل در تقسیم بین مالک و رعیت شدید کمیسیون هیچ در نظر نداشته داخل این مذاکره شود به جهت اینکه تقسیمات بین زارع و مالک مختلف است و بعلاوه این یک مطلبی است که فعلاً مناسب ندارد که داخل این مسئله بشویم اینست که نه دولت و نه کمیسیون باین مسئله ماهیچ نظر نداشت و نظریه عایدات مالک بوده و البته معلوم است عایدات مالک هم در هر جا مختلف است و بالاخره در هر جا هر طور میخواهد باشد یا نصف یا خمس یا ثلث دولت عشر آن را از بابت مالیات میگیرد و دو سهم رعیت هر چه باشد از او چیزی نمیگیرد و مخارج هم بهمان نسبت از سهم مالک کسر میشود و معلوم است در همه جا اثر این ماده یکی نخواهد بود در هر جا که تقسیمات مختلف است مخارج و سهم دولت هم مختلف است.

بالاخره آنچه بنظر کمیسیون رسیده است و دولت هم موافقت کرده است که پیشنهاد شده حالا هر چه آقایان بنظر شان میرسد پیشنهاد فرمایند چون این مسائل مکرر صحبت شده که ارجاع بکمیسیون شده و این حرفهایی که در مجلس گفته میشود در شور اول گفته شده و پیشنهادهایی هم شده که ارجاع بکمیسیون و بنده از نظریه کمیسیون مسبق هستم لهذا آقایان

پیشنهادات خودشان را بفرمایند اگر موافق نظر کمیسیون بود که بنده قبول میکنم و اگر موافق نظر کمیسیون نبود گذاشته میشود بنظر مجلس اگر مجلس قبول کرد البته بکمیسیون میرود و ترتیبی در او داده میشود.

رئیس - آقای کازرونی (اجازه)

میرزا علی کازرونی - اگر چه بنده عقیده ام را کراراً عرض کرده ام این قانون را باین ترتیب صحیح نمیدانم اگر یک مراجعه هم میفرمودند به مالک سایر می دیدند که دولت غالباً یک عشر از عین حاصل میگیرد.

لیکن حالا گذاشته است و در اینجا می بینیم در این زمینه یک تمهیدی شده نسبت بزراعت دیمی که چیزی موضوع نکرده و البته نظرشان این بوده که چون زراعت دیمی قنات ندارد خرج قنات هم ندارد ولی از طرف دیگر گویا این را فراموش کرده اند که زراعت دیم اگر آب نمیخواهد کراراً اتفاق افتاده است که دو سال سه سال خرج میکند بواسطه نیاهن بارش آن زراعت خراب میشود و یک شاهی عایدشان نمیشود.

ولی اراضی که از آب رودخانه یا قنات مشروب میشوند لامحالہ یک حاصل خواهد داشت و اگر چنانچه مخارج زراعتی را که با آب قنات یا رودخانه مشروب میشود تطبیق کنیم با ضرر صاحب زراعت دیمی می بینیم که خسارت زراعت دیمی بیشتر از مخارج زراعتی است که با آب قنات مشروب می شود باین جهت بنده پیشنهاد میکنم که از زراعت دیمی هم بابت مخارجی که کرده است و در اکثر سنوات بواسطه نیامدن باران حاصلی دستش نمی آید یک عشر و نیم بابت مخارج موضوع شود.

مخبر - توجه به قسمت اول ماده ۲ فرمائید در آنجا میگوید عایدات بتوسط مالک ثلث بدون آفت سه ساله عالی و متوسط ودانسی الی آخره اولاً در یک قسمت ملاحظه آفت شده بعلاوه در ماده دیگر هم ملاحظه آفت شده و اگر صاحب زراعت دیمی سه سال هم چیزی عایدش نشود دولت هم از او چیزی نمیگیرد ولی وقتی که عایدی پیدا کرد البته باید بدولت هم مالیات بدهد و این مسئله البته در موقع باز دید حاصل معلوم خواهد شد برای اینکه باید عایدات خالص مالک را بدست آورد.

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

حائریزاده - بنده در شور اول پیشنهاد کردم از آن املا کی که توسط قنات مشروب میشود نیم عشر گرفته شود و از اراضی که توسط رودخانه مشروب میشود عشر گرفته شود و ادله خود را مختصراً عرض مجلس رسانیدم آقای مدرس هم که عضو کمیسیون

بودند بنا بنده هم عقیده بودند لیکن از قرار معلوم پیشنهاد من محل توجه نشده لذا لازم است توضیح بدهم ما مالیات را از عایدات میگیریم و از سرمایه مالیات نمیگیریم در صورتیکه در دنیا بعضی مواقع از سرمایه هم مالیات گرفته میشود حتی در اسلام هم بر سرمایه یکی دو فقره مالیات حمل شده است و آن یکی در موقع جنگ است که مسلمین باید از سرمایه خود مخارج کنند و اسباب جنگ را تهیه کنند و یکی هم در موقع احتکار

مسکوک را اگر کسی حبس کرد از سرمایه او بعنوان زکوة میگیرند که جریمه او باشد تا دیگر ذهب و فضة را کسی حبس نکند و آنهم شرایطی دارد که آقای حاج شیخ اسدالله بهتر از من می دانند

رئیس - در ماده اول حرف می زنید یا در ماده سوم

حائریزاده - در این ماده حرف میزنم در اینجا آمده اند فرق زیادی مابین املا کی که با آب رودخانه و قنات مشروب می شود یک عشر و یک و نیم و دو عشر قرار داده اند در صورتیکه در حدود ۲۵۰ هزار تومان مخارج قنات میشود تا دوسنک و نیم از آن آب جاری شود ولی اینجا درست اطلاع ندارم و تقریباً هزار عملاً کرده اند سه سال عمر خود را صرف کنند معادل یکصد و پنجاه هزار تومان هم که خرج کند یک قنات دوسنک و نیمی تهیه میفرمایند در صورتیکه در سایر جاها با ۵۰ نفر عملاً نهی از رودخانه جدا میکنند و ده سنک آب میبرند آنوقت بیاییم آن سرمایه شریف انسانیکه عمر است برایش هیچ قدر و قیمتی قائل نباشیم و این را جزء عایدات حساب کنیم و حال آنکه اگر یک سیلی از کوهستان بیاید همه قنات را خراب میکند ولی آن نهی که از رودخانه جدا شده است ۵۰ تومان مخارجش است و این دو عشری که اینجامنظور داشته اند بعقیده بنده برای لازمی نهر یک عشر کفایت میکند که آنرا پاک کنند ولی یک قناتی را که هفت هشت فرسخ طولش است و عمق چاههای آن ۱۰۰ ذرع است دو عشر منظور داشته اند ولی سهم سرمایه را منظور نداشته اند و من عقیده دارم سهمی هم برای قنات معلوم کنیم و همه ساله ۱۰۰ یک از عایدات را برای قیمت قنات موضوع کنیم و مالیات را صرف مابقی کنیم یا نصف عایدات را موضوع کنیم و از بقیه عایدات خالص حساب کنیم و آن عایدات برای استهلاک سرمایه باید حساب شود و این ترتیبیکه پیش بینی شده است قنات را بسا رودخانه در مقابل هم گذاشته اند و این ترتیب نا صحیحی است

رئیس - آقای محمد ولی میرزا - (اجازه)
 محمد ولی میرزا - اظهاراتی را که آقای حائریزاده فرمودند در شور اول هم پیشنهاد فرموده بودند و در کمیسیون طرف

مذاکره واقع شد و در اطرافش هم خیلی مذاکره شد ولی بهمین جهتیکه آقای حائری زاده فرمودند که یک قنات در حدود ایشان ۱۵۰ هزار تومان خرج بری دارد این مسئله را نمیشود بتمام عمومیت داد برای اینکه وضعیت جغرافیائی مملکت مادر هر نقطه مختلف است همانطور که یک قنات در بزرگ ۱۵۰ هزار تومان خرج دارد در آذربایجان و کوهپایه هم با ۳۰۰ تومان ممکن است قنات ایجاد کرد از این نقطه نظر نمیشود یک استثنائی در قانون برای هر محل در نظر گرفت و برای هر نقطه یک قانون مخصوص نوشت.

مثلاً برای یزد یک قانون برای آذربایجان یک قانون برای اطراف تهران هم یک قانون نوشت این است که یک قانون عمومی بطور تساوی نوشته شده و این میزان هم که مراعات نشده خیلی عادلانه است و مخصوصاً این میزان را کمیسیون در نظر گرفت که بصاحبان قنات مساعدتی شده باشد تا در ایران که اغلب زراعتشان دیم است مردم تشویق و قنات تأسیس کنند و مالکین برون قناتهای مغربه را که هست آباد کنند و گمان میکنم در همین مخارجیکه موضوع شده است کمیسیون یک تشویق و ترغیبی در نظر داشته است و این ترتیب یک ترتیب عادلانه است والا اگر بطوریکه آقای حائریزاده میفرمایند ما داخل جزئیات شویم که یک قنات مخارجی که برایش شده است خیلی زیاد بوده یا خیلی کم بوده است یا در بعضی صفحات مثل فارس یا اطراف طهران بعضی قنات متغذیه از رودخانهها است که بیش از یک قنات احدائی خرج دارد و از شش فرسخ راه دارد که آب یک رودخانه را بیاورند و مالک باید هر ساله مبالغی خرج کند و قنات را تنقیه کند و کمیسیون تمام این نظریات را که در مدنظر گرفت بهتر از این قانون میتواند وضع کند و گمان میکنم این ترتیب برای صاحبان قناتیکه زیاد خرج کرده اند و برای دیگران هم که کمتر خرج کرده اند عادلانه باشد (بعضی گفتند مذاکرات کافی است)

رئیس - مذاکرات کافی است؟ پس رأی میگیریم
 آقای میرزا ابراهیم قمی - بنده توضیحی از مخبر میخواهم
رئیس - قبل از جناب عالی اشخاص دیگری اجازه خواسته اند میخواهید رأی بماند برای فردا و جلسه ختم شود (جمعی گفتند صحیح است)
رئیس - دستور جلسه فردا لایحه قانون ممیزی آقای محقق العلماء (اجازه)
 محقق العلماء - بنده در دستور فردا عرض دارم.
 چندی قبل لایحه روشنائی بمجلس آمده و از برای روشنائی و تعزیه داری و اقلام دیگر

هیچک از نمایندگان مخالف نبوده و نسبت فقط اگر کسی هم نظری داشته برای این بوده که آنها بمصارف روشنائی و تعزیه داری برسد که اینک من تقاضا و استدعا کردم که علاوه بر ۲۴ هزار تومان ۲۴ هزار تومان هم اضافه شود که سر قریب موسی ابن جعفر هم چرافی اضافه شود متأسفانه این مسئله کشف نشد که اینها بمصرف میرسد یا خبر؟ یا چقدرش بمصرف میرسد و چقدرش نمیرسد حالیکه چند قلم برجسته آنرا آقایان تفکیک کردند و آوردند بمجلس ما هم رأی دادیم فقط ۲۰۰ قلم مانده است آنهم سالی ۱۰ تومان ۵۰ تومان و ۶۰ تومان و برای مخارج معابد مقدسه است و یک اقلامی مانده است که مال ضاعف است

مثلاً یک عریضه ایست که متولی مسجد وکیل از شیراز نوشته که سالی ۶۵ تومان را که برای روشنائی مسجد وکیل که آقایان غالباً دیده اند از بناهای خیلی عالی و عظیم دنیا است

یکی هم راجع بمسجد سلطانی است. حالا اگر آقایان اجازه می دهند بقیه لایحه روشنائی بمجلس بیاید و مذاکره شود که هیچ والا اگر میل ندارند اجازه بفرمایند این دو قلم که راجع باین دو مسجد است و گاهی شاید بعضی ایالات که می آمدند دقت میکردند و برای بقای این بنا یک صد تومانی خرج میکردند بمجلس آمده و تکلیفشان معلوم شود

حالا یک همچو مسجدی که یک مقدار قبلی روشنائی دارد و این هم کاغذی است که متولی آنجا نوشته و استدعا کرده است نوشته شود این ۶۰ تومان را بدهند حالا اگر آقایان میل دارند بفرمایند همه لایحه بمجلس آمده و رأی داده شود والا این دو قلم را که یکی متعلق بمسجد جامع و یکی مسجد سلطانی است که در عرض سال هم شاید بیش از ۹۰ تومان نمیشود بنده پیشنهاد میکنم تفکیک شده و جزء دستور شود

رئیس - لایحه روشنائی جره دستور بود ولی تصادف کرد با قانون ممیزی و در هفته آینده جزء دستور خواهد شد (مجلس یک ساعت و نیم از شب گذشته ختم شد)

رئیس مجلس مؤتمن الملک جلسه ۲۳۵
صورت مشروح مجلس یوم چهارشنبه نهم حوت ۱۳۰۱ مطابق یازدهم رجب ۱۳۴۱
 مجلس تقریباً دو ساعت قبل از غروب بریاست آقای مؤتمن الملک تشکیل گردید.
 (صورت مجلس جلسه قبل را آقای امیر ناصر قرائت نمودند)
رئیس - در صورت جلسه ای برادی نیست؟